

نقش
رسانه‌ها در
فرآیند...



متن
سفنان
مسئ
شرفی...



مبارزات
مسالمت
آمیزی ...



چرا آنها
از ما
متنفرند؟



ایران و
دفاعت در
امور...



تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایسران

شماره ۵۹۴، چهارشنبه، ۱۵ آذر ۱۳۹۱، ۵ دسامبر ۲۰۱۲، ۱۵۰ تومان

www.kurdistanmedia.com

سفن

طرح پیشنهادی PDKI در UNPO تصویب شد نماینده حزب به عضویت هیأت رئیسه در آمد

کردها، مبارزه مدنی یا خشونت آمیز؟!



این سؤال طی سالهای اخیر در گفتمان سیاسی کردستان به صورت مداوم مطرح می‌شود، عده‌ای بر این باورند که مبارزات مسلحانه ملت کرد بایستی در تمامی بخش‌های کردستان به عنوان محور مبارزات حق‌طلبانه این ملت در نظر گرفته شده و به کار گرفته شود، از طرف دیگر شماری نیز بر این باورند که اکنون زمان آن فرا رسیده است که ملت کرد دست از مبارزات مسلحانه و خشونت‌آمیز بردارد و به مبارزه مدنی روی آورد.

هر کدام از طرفداران این دو نظر، دلایل مختلفی برای صحت اعتقاداتشان دارند که در اینجا نمی‌خواهیم به ذکر آن دلایل بپردازیم. ولی تجارب و واقعیات به ما هشدار می‌دهند که اعتقاد کامل به هر کدام از این دو نظر و رد دیگری، ما را به نتیجه اشتباهی خواهد رساند. از آنجا که کردستان تقسیم شده و هر بخش از آن تحت حاکمیت دولتی قرار دارد که حداقل در شرایط کنونی نگرش هر کدام از آنها نسبت به حل مسأله کرد به طور کلی و به‌ویژه در بخش تحت حاکمیت هر کدام از آنان و همچنین در سیاست بین‌المللی و منطقه‌ای آنان تفاوت‌های چشمگیری مشاهده می‌شود، بهتر آن است که ملت کرد در هر بخشی با تحلیل دقیق و خوانش ویژه در قبال سیاستها و برنامه‌های رژیمهای حاکم برخورد، متد مبارزاتی مناسب را تعیین نماید، متدی مبارزاتی که حتی‌الامکان با صرف کمترین هزینه، دستاورد بیشتری را در برداشته باشد.

بلوچ ایران ارائه شد. لازم به ذکر است، حزب دمکرات به نمایندگی از کردستان ایران در UNPO عضویت دارد.

کردستان ایران به کنگره UNPO ارائه شد، در نشست عمومی این کنگره به تصویب رسید. این طرح پیشنهادی با پشتیبانی و همکاری سازمانهایی از ملیت‌های عرب و

همین رابطه عبدالله حجاب، کاندیدای حزب دمکرات کردستان ایران برای عضو در هیأت رئیسه UNPO با اکثریت آراء انتخاب شد. طرح پیشنهادی که در رابطه با وضعیت حقوق بشر در ایران، از سوی حزب دمکرات

جهان به فلسطین "آری" گفت اسرائیل گفت "نه"

نبرد سر نوشت به دمشق رسید

خواهد یافت؛ در هر جای نقشه که منافع ما ایجاب کند، ساخت و سازها را ادامه می‌دهیم.»

جامعه جهانی، از جمله دولت‌های آمریکا و بریتانیا، اتحادیه اروپا و دبیر کل سازمان ملل قویا ساخت و سازهای اسرائیلی تازه اعلام شده در اراضی اشغالی را محکوم کردند.

همزمان، کشورهای در جهان اعلام کردند که جایگاه هیأت دیپلماتیک فلسطینی‌ها را به سطح سفارت ارتقاء می‌دهند.

از سوی دیگر، تشکیلات خودگردان فلسطینی اعلام کرد که نام خود را در اسناد رسمی و نیز در وبسایت‌های رسمی این تشکیلات به «فلسطین» تغییر می‌دهد.

در پی ارتقای جایگاه فلسطینیها به «کشور ناظر غیرعضو» در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، محمود عباس، رهبر تشکیلات خودگردان فلسطینی با بازگشت به کرانه باختری، به مستقبلین شادمان خود گفت: «جهان به کشور فلسطین، آری گفت.»

آقای عباس همچنین گفت که «فلسطین از این پس، کشور زیر اشغال به حساب می‌آید و حق آن بر مرزهای سال ۱۹۶۷ ثابت گردید و دیگر کسی نمی‌تواند طبق میل خود، در زمینهای ما ساخت و ساز کند.»

این در حالیست که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در همین روز گفت: «خانه سازی‌های ما در همه جا ادامه خواهد کرد.»

اتحاد ملی مخالفان اسد روز یکشنبه، دوم دسامبر اعلام کرد، مخالفان به زودی دولت موقت سوریه را تشکیل خواهند داد.

دفتر اطلاع رسانی ائتلاف ملی سوریه که مرکز آن در قاهره قرار دارد ضمن اشاره به پیشرفت مخالفان در نبرد علیه رژیم تأکید کرد تا دو هفته دیگر نام وزرای دولت موقت سوریه را اعلام خواهد کرد.

به گزارش الجزیره، درگیری‌ها در مناطق مختلف سوریه همچنان ادامه دارد و ریاض الاسعد، فرمانده ارتش آزاد سوریه "اعلام کرد: مخالفان برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌هایی برای حمله به دمشق، پایتخت در دست دارند و به زودی آن را به مرحله اجرا در می‌آورند.

وی گفت: این حمله بسیار بزرگتر از

تا اواخر سده بیستم میلادی، ساختار سیاسی دولتهای حاکم بر تمامی بخش‌های کردستان، مبتنی بر امحای تاریخ و سرکوب خشونت‌آمیز مبارزات ملی کرد بوده است و هیچ فرصتی به این ملت و حتی سایر آزادیخواهان کشورشان نداده‌اند تا ابتدایی‌ترین حقوق خود را خواستار شوند، به همین خاطر برای کردها تنها دو راه باقی مانده است، پناه بردن به مبارزه مسلحانه و تحمل هزینه این نوع از مبارزه (اگر چه هزینه آن بسیار سنگین است) یا تسلیم شدن در برابر حکومت‌های دیکتاتور و به فراموشی سپردن هویت ملی، تاریخ، فرهنگ، زبان و آیین و سنتشان. اما ملت کرد سر تسلیم فرو نیاورده و راه نخست را در پیش گرفت تا آسیمیله نشده و به عنوان یک ملت به بقای خود ادامه دهد.

شرکت هیأتی از حزب دمکرات در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد



ملیتهای در آن نشست شرکت کرده بودند مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در آن نشست مقاله‌ای را قرائت نمود که در آن پیرامون وضعیت حقوق بشر در کردستان ایران و اقلیم‌هایی که در آن ملیتهای تحت ستم ایرانی ساکن هستند، مطالبی درج شده بود.

هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد شرکت کرد. در آن نشست با شرکت هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی لقمان احمدی، عضو کمیته‌ی مرکزی و مسئول روابط خارجی حزب، مسئله اقلیتها و ملیتهای مختلف جهان از سوی سازمانهایی که به نمایندگی از آن

دیدار شخصیت سیاسی اروپایی از مقر دفتر سیاسی حدکا



سیاسی ایران، کردستان و به‌ویژه کردستان ایران، وضعیت اپوزیسیون ایران و همچنین موضع و نگرش حزب دمکرات به مسأله‌ی سوریه و سیاست ترکیه و عربستان سعودی پرسش‌هایی را مطرح کرد که از سوی محمد نظیف قادری، سرپرست هیأت حزب پاسخ داده شد. در ادامه، آقای قادری سیاستها و مواضع حزب دمکرات را در ارتباط با موضوعات مورد بحث بیان کرد و افزود: "ما در جهت مخالفت با تروریسم و برای آزادی و دموکراسی و تأمین حقوق ملی ملت کرد مبارزه خواهیم کرد و برای رسیدن به این اهداف، از هر گونه راهکار مشروعی که به سرنگونی رژیم ایران ختم شود، استفاده می‌کنیم"

ژرار شالیان، شخصیت سیاسی اروپایی و از دوستان نزدیک حزب دمکرات و ملت کرد از مقر دفتر سیاسی حزب دیدار کرد. به گزارش کردستان میدیا، روز سه شنبه ۳۰ آبان ماه "ژرار شالیان" شخصیت سیاسی سرشناس اروپایی، پژوهشگر جغرافیای سیاسی و از دوستان دیرین حزب دمکرات کردستان ایران از مقر دفتر سیاسی حزب دیدار نمود و از سوی هیأت حزب به سرپرستی محمد نظیف قادری، عضو دفتر سیاسی مورد استقبال قرار گرفت. شالیان هدف از این دیدار را پژوهش و بررسی پیرامون وضعیت سیاسی منطقه و دیدار با رهبری حزب عنوان کرده و دیدگاه‌های خود را در این رابطه مطرح نمود. در این دیدار، ژرار شالیان در مورد وضعیت

کشته شدن دو شهروند کرد توسط نیروهای انتظامی

عبدالله فرزند رسول در نزدیک روستای "قلعه رش" هدف شلیک مستقیم گلوله قرار گرفته و جان باخته است. در همین رابطه و در ادامه کشتار کولبران بی‌دفاع، یک کولبر کرد دیگر در منطقه‌ی ماکو توسط نیروهای انتظامی کشته شد.

دو کولبر کرد در مناطق ماکو و سردشت با شلیک مستقیم نیروهای انتظامی رژیم اسلامی جان خود را از دست دادند. به گزارش کردستان میدیا، عبدالله چمانه ۳۵ ساله، ساکن روستای "سپیداره" سردشت، یکی از کولبرانی است که جان خود را از دست داده است.

کردها، مبارزه مدنی یا خشونت آمیز؟!

ادامه ستون "سخن"

آنها این دستاورد به دست نمی‌آید: ۱- سازماندهی منظم این مبارزه در میان زندانیان و خیابانهای کردستان ترکیه و اراده محکم زندانیان در ادامه دادن به اعتصاب بدون هیچ شک و تردیدی و تقاضای به موقع آقای اوجلان برای پایان بخشیدن به این اعتصاب. ۲- نشان دادن نرمش از سوی دولت ترکیه مبنی بر پذیرش بخشی از خواسته‌های اعتصاب‌کنندگان که زمینه را برای پایان دادن به اعتصاب، قبل از آنکه بحران عمیق‌تر و منجر به هزینه بیشتری شود، فراهم ساخت. پس از به نتیجه رسیدن این مبارزه و بخش قابل توجه دیگری از مبارزه سیاسی که تاکنون ملت کرد در ترکیه در دوران حکومت جدید آن را تجربه کرده‌اند، فراهم شدن فضای سیاسی ترکیه برای مبارزه مدنی و سیاسی از طریق پارلمان، شهرداری‌ها و سرتاسر جامعه این کشور، آیا زمان آن فرا نرسیده است که احزاب سیاسی و به طور کلی، ملت کرد در این بخش، با برآورد دقیق منافع و محدودیتهای هر کدام از دو روش مبارزه مدنی و مسلحانه در راه منافع ملی، یک بار دیگر وضعیت را تحلیل و مقایسه نموده و کم‌هزینه‌ترین و پردستاوردترین آنها را انتخاب کند؟ تجارب تاریخی مبارزه ملی ملت کرد، شناخت ویژگیهای زمان کنونی و منافع ملی به ما می‌گویند که در هر مکانی که زمینه مبارزه مدنی وجود داشته باشد، پناه بردن به اسلحه به‌ویژه برای ملت کرد اشتباهی بزرگ است و لازم است که از آن پرهیز نماید.

اعتصابشان ۳ شرط را پیش روی حکومت قرار دادند: - حق دفاع از خود در دادگاه‌های ترکیه به زبان کردی، تحصیل در مدارس به زبان کردی و آزادی آقای عبدالله اوجلان از زندان. صدها هزار نفر از مردم کرد و روشنفکران و دمکراتهای ترک در ترکیه و دیگر بخش‌های کردستان، حتی اروپا، از خواسته‌های اعتصاب‌کنندگان حمایت کردند و برای ابراز پشتیبانی از آنان به خیابانها آمدند. نتیجه این مقاومت، صدور حکمی بود که به موجب آن زندانیان کرد در دادگاه‌های این کشور می‌توانند به زبان کردی از خود دفاع کنند و زمینه‌سازی برای تحصیل به زبان کردی در مدارس این کشور، از طریق قانونی انجام خواهد گرفت. اگر چه در این جدال مدنی تمام خواسته‌های اعتصاب‌کنندگان تحقق نیافت، ولی آنچه تحقق یافت، دستاوردی قابل توجه بود، به‌ویژه این‌که این مبارزه مدنی گسترده باعث شد که یک بار دیگر افکار عمومی جهانیان صدای حق طلبی ملت کرد در این بخش از کردستان را بشنوند و از آن حمایت کنند. به همین خاطر شکی در آن نیست که این مبارزه مدنی، مبارزه‌ی موقت آمیز بوده و این برای هر کردی جای بسی خوشحالی است و جا دارد بدین مناسبت به تمامی آحاد ملت کرد، به ویژه کردهای ترکیه و زندانیان سیاسی اعتصاب‌کننده تبریک بگوییم. در اینجا لازم است به دو موضوع در رابطه با موفقیت این مبارزه مدنی اشاره نمایم که بدون

... ولی طی سالهای اخیر تغییر و تحولاتی سریع و عمیق کردستان و نظام‌های سیاسی حاکم بر کردستان را در بر گرفته است، هم‌اکنون بخشی از کردستان که تحت حاکمیت رژیم عراق قرار داشت، به بخش قابل توجهی از حقوق سیاسی و ملی خویش دست یافته است، کردهای سوریه در انتظار سرنگونی رژیم بعث این کشورند و اگر بتوانند نیروها و صفوف خود را متحد نمایند و این اتحاد را حفظ کنند، با سقوط حکومت حداقل به بخشی از خواسته‌ها و مطالبات خود دست خواهند یافت. تغییر و تحولات در ترکیه از بسیاری جهات با تغییر و تحولات در این دو کشور متفاوت است، زیرا در ترکیه تغییر و تحولی اساسی در افکار عمومی این کشور در جهت گشایش سیاسی و برداشتن گامی رو به جلو روی داده است. در نتیجه، سیاست حکومت در تمامی سطوح و به‌ویژه در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای دچار تغییر شده است که این امر منجر به فراهم شدن فضایی مناسب جهت انجام مبارزه مدنی برای کردهای آن کشور شده است که می‌توان به خوبی از آن استفاده نمود تا حقوق و مطالبات ملت کرد از این طریق، گام به گام محقق شود. تجارب مبارزات سالهای اخیر در این کشور و به ویژه تجربه‌ی ماه‌های آخر امسال در این رابطه قابل تأمل و آموزنده می‌باشد. چنانچه می‌دانیم در این اواخر صدها زندانی سیاسی کرد به مدت ۶۸ روز در زندانهای ترکیه دست به اعتصاب غذا زدند، آنها برای شکستن

دیدار هیأت‌های بلندپایه‌ی حدکا و کومله



خاورمیانه همچنان ادامه دارد و این تغییرات به نفع ملت‌های منطقه و به ویژه ملت کرد می‌باشد. بخشی دیگر از این نشست به بحث در مورد روابط احزاب کردستانی و لزوم اتخاذ مواضع و گفتن مشترک در برابر اپوزیسیون ایرانی و مجامع بین‌المللی اختصاص یافت. دو هیأت همچنین نشست با احزاب و جریان‌های سیاسی ایرانی با حفظ اصول و تعهدات ملی را در جهت منافع ملت کرد مثبت ارزیابی کردند. در پایان نیز دو هیأت در مورد اوضاع حساس منطقه و ایران و روابط احزاب کردستانی با یکدیگر به تبادل نظر پرداختند. پس از تحلیل حوادث منطقه و ایران، دو طرف در مورد مسائل دیگری از جمله تلاش برای نزدیکی و ارتباط هر چه بیشتر جریانه‌ها و ایجاد نوعی گفتن کردستانی برای مسأله‌ی کرد در کردستان ایران به بحث و تبادل نظر پرداختند.

در نشست هیأت‌های حزب دمکرات و کومله، شرایط حساس خاورمیانه و منافع ملت کرد در تغییرات منطقه مورد بحث قرار گرفت. به گزارش کردستان میدیا، روز چهارشنبه، هشتم آذر ماه ۱۳۹۱ هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی "مصطفی هجری" دبیر کل حزب از مقر کومله زحمتکشان کردستان دیدار کرد و از سوی هیأتی به سرپرستی عمر ایلخانی زاده، دبیرکل کومله مورد استقبال قرار گرفتند. در آغاز این نشست عمر ایلخانی زاده مباحثی در خصوص کنگره سیزدهم کومله زحمتکشان کردستان و مصوبات آن برای هیدت حزب دمکرات مطرح نمود. در این نشست، هیأت‌های دو طرف در مورد اوضاع خاورمیانه و سوریه، ایران و به ویژه کردستان، به ریزنی پرداخته و نظرات و نگرش خود را در مورد موضوعات مشترک مورد بحث مطرح نمودند. دو هیأت بر این باور بودند که علیرغم مشکلات موجود، تغییرات در

دیدار هیأت حزب دمکرات کرد سوریه از مقر دفتر سیاسی حدکا



هیأتی از حزب دمکرات کرد سوریه از دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران دیدار کرد.

به گزارش کوردستان میدیا، روز دوشنبه ششم آذرماه ۱۳۹۱ هیئتی از حزب دمکرات کرد سوریه به سرپرستی "لزگین محمود فخری" دبیر کل این حزب در مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران با هیأت حزب به سرپرستی مصطفی هجری، دبیر کل دیدار کردند.

در این نشست "لزگین" هدف از سفر خود به اقلیم کردستان را دیدار با دوستان و تبادل نظر در مورد مسئله کرد و مطرح نمودن جوانب مختلف آن عنوان کرد. لزگین در این دیدار با

اشاره به مشکلات ملت کرد در سوریه و موانع موجود بر سر راه این مبارزه، تأکید کرد: رهایی از سلطه رژیم بعث سوریه، تأسیس دولت ملی در کردستان سوریه، تأمین اهداف ملت کرد و همچنین اتحاد احزاب و جریان‌های سیاسی از اهداف اصلی مبارزه ملت کرد در این بخش از کردستان خواهد بود.

سپس مصطفی هجری، دبیر کل حزب ضمن اشاره به دیدگاه حزب دمکرات کردستان ایران در رابطه با وضعیت ملت کرد در سوریه گفت: رمز موفقیت و دستیابی به اهداف سیاسی و ملی، به ویژه در این شرایط برای کردهای سوریه، اتحاد و همبستگی می‌باشد. وی در همین رابطه افزود:

امیدوارم با این اتحاد، ملت کرد در کردستان سوریه بتواند رژیم بشار اسد را سرنگون سازد. بدون تردید سرنگونی رژیم اسد بر جریان‌های سیاسی منطقه و موفقیت مبارزه ملت کرد و ضعیف شدن جایگاه رژیم ایران تأثیرگذار خواهد بود و هر اندازه جنبش‌های آزادیخواهی منطقه با موفقیت روبه‌رو شوند، به همان نسبت رژیم‌های دیکتاتوری ضعیف تر خواهند شد.

در پایان، هیأت‌های حزب دمکرات کردستان ایران و حزب دمکرات کرد سوریه بر تحکیم روابط فیما بین تأکید کردند.

اتحادیه دانشجویان دمکرات کردستان ایران سمینار "گفتمان ملی، احزاب و روشنفکران" را برگزار نمود

پانل دوم سمینار گفتمان ملی، احزاب و روشنفکران از ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر با سخنرانی بهزاد خوشحالی، نویسنده و محقق، دکتر فریدون رحمانی، استاد دانشگاه و جامعه‌شناس و مسعود بابایی، مترجم و پژوهشگر آغاز گردید.

بهزاد خوشحالی با تقسیم روشنفکران به دو دسته‌ی واقع‌گرا و آرمانگرا، گفت: روشنفکر واقع‌گرا نزدیکی خاصی با احزاب داشته و جامعه را به نوعی مدیریت می‌کند اما روشنفکر آرمانگرا در بیرون از احزاب بوده و جامعه را رهبری می‌کند.

وی همچنین بر آموزش و تعلیم در میان احزاب کرد تأکید و این امر را زمینه‌ساز تعامل هرچه بیشتر احزاب و روشنفکران در کردستان ایران دانست.

سخنران بعدی پانل، دکتر فریدون رحمانی بود. وی با اشاره به جدیدترین تئوری‌های "سویل"، جامعه‌شناس آمریکایی در باره‌ی رابطه‌ی روشنفکر و جامعه، گفت: در بسیاری از مقاطع تاریخ روشنفکران نقش منفی داشته‌اند و برای برهیز از این امر باید روشنفکران کرد از برخی ویژگی‌ها برخوردار باشند.

در بخش پایانی پانل دوم این سمینار، مسعود بابایی به ارتباط میان حزب و روشنفکر پرداخت و بر وجود کارکرد متفاوت و حوزه‌ی فعالیت آنان در جامعه تأکید کرد.

وی روشنفکر را خارج از تشکیلات حزبی تبیین کرد که در صورت نزدیکی بیش از حد به حزب و ساختار ارگانیک حزب، از تعریف روشنفکر دور شده و هویت خود را به عنوان یک روشنفکر از دست خواهد داد.

سمینار ساعت ۶ بعد از ظهر به کار خود پایان داد.



و تسامح، تساهل و تقویت گفتمان ملی در میان احزاب کرد را از ارکان همگرایی و همصدایی ملت کرد در این بخش از کردستان معرفی کرد. در بخش دیگری از سمینار، پرویز رحیم قادر به معرفی خاستگاه اصلی احزاب از منظر چهار تئوری اشاره کرد و بر بازتعریف جدیدی از حزب که شیوه‌های امروزی مبارزه در جامعه‌ی کردستان و تجدید سازمان‌دهی را شامل گردد، تأکید نمود.

سخنران سوم پانل نخست عبدالرضا کریمی بود. وی سخنان خود را با گفتمان ملی کرد در چهارچوب سیاسی ایران آغاز کرد و راه‌حل تأمین حقوق ملی-دمکراتیک مردم کردستان را در تقویت هرچه بیشتر اتحاد و هم‌پیمانی میان ملیت‌های ساکن ایران دانست و نقش و جایگاه احزاب کرد در این همگرایی را مهم ارزیابی کرد.

پانل قبل از ظهر با نظرات و دیدگاه‌های متفاوت شرکت‌کنندگان در سمینار پایان یافت.

اتحادیه دانشجویان دمکرات کردستان ایران سمیناری یک روزه برگزار نمود و جمعی از روشنفکران و نویسندگان کرد نیز در این سمینار حضور به هم رساندند.

به گزارش کوردستان میدیا، روز شنبه، یازدهم آذرماه سمینار "گفتمان ملی، احزاب و روشنفکران" با شرکت جمع کثیری از شخصیت‌های آکادمیک و سیاسی با ادای احترام به شهیدان راه آزادی و رهایی کردستان آغاز شد. این سمینار از دو پانل اصلی تشکیل گردیده بود، سخنرانان پانل نخست عبارت بودند از "جلیل آزادیخواز"، نویسنده و فعال سیاسی، "پرویز رحیم قادر"، محقق و استاد دانشگاه و "عبدالرضا کریمی"، فعال سیاسی و دانشجوی دکتری تاریخ.

در ابتدا، جلیل آزادیخواز به آسیب‌شناسی نبود اتحاد میان احزاب کرد اپوزیسیون پرداخت و شکل‌گیری اتحاد در جنبش آزادیخواهی مردم کرد در کردستان ایران را ضرورتی امروزی قلمداد

سمینار اتحادیه زنان دمکرات کردستان ایران و کومله زحمتکشان کردستان



به مناسبت روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان، سمینار مشترک اتحادیه زنان دمکرات و زنان کومله در شهر سلیمانیه اقلیم کردستان برگزار شد.

به گزارش کوردستان میدیا، روز شنبه ۴ آذرماه ۱۳۹۱، در مرکز فرهنگی اندیشه و سالن سیروان در شهر سلیمانیه، سمیناری مشترک توسط زنان کومله زحمتکشان کردستان و اتحادیه زنان دمکرات کردستان ایران برگزار شد.

در آغاز سمینار "آریز محمدی" مجری این سمینار مختصری از تاریخ روز ۲۵ نوامبر را برای شرکت‌کنندگان قرائت کرده و سپس فریبا محمدی، دبیر اتحادیه زنان کومله زحمتکشان کردستان موضوعی تحت عنوان "خشونت و فقر" را مورد بحث قرار داد.

محمدی در مورد اهمیت اوضاع اقتصادی در زندگی هر کس و دلایل اولیه خشونت در جامعه و به ویژه زنان برای شرکت‌کنندگان سمینار سخنرانی کرد.

همچنین الهام چایچی، دبیر اتحادیه زنان دمکرات کردستان ایران در مورد خشونت علیه زنان و مبارزه با این معضل اجتماعی و در مورد خشونت سیاسی و انواع خشونت سخنانی ارائه نمود.

در قسمتی دیگر از این سمینار "اوین مصطفی زاده" عضو مرکز "تحقیقات اجتماعی پژوهش‌ها" آمارهایی در مورد خشونت علیه زنان برای شرکت‌کنندگان مطرح کرد.

محکوم شدن ایران در قطعنامه کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل

در نشست سالانه کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، پیشنهاد کانادا در رابطه با صدور قطعنامه‌ای جهت محکوم کردن نقض حقوق بشر و سرکوب بی‌رویه مدافعان حقوق بشر در ایران تصویب شد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، در شصت و هفتمین نشست کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، که روز سه‌شنبه، هفتم آذرماه در مرکز این سازمان در نیویورک برگزار شد، این قطعنامه تصویب گردید.

پیش‌نویس این قطعنامه با پیشنهاد دولت کانادا آماده شده و از طرف ۴۲ کشور مورد پشتیبانی واقع شد. سال گذشته نیز دولت کانادا پیش‌نویس دیگری در رابطه با نقض حقوق بشر از سوی رژیم ایران را به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه داد که با ۸۶ رای موافق، ۳۲ رای مخالف و ۵۹ رای ممتنع به تصویب رسید.

در این قطعنامه شکنجه و اعدام، سرکوب شدید و گسترده‌ی آزادی‌ها و خشونت علیه زنان در ایران محکوم شد.

عکاس کرد کاندیدای جایزه ایسکرین "آسیا پاسیفیک" شد

تورج اصلانی، عکاس فیلم "فصل کرگدن‌ها" کاندید جایزه برترین عکاس ششمین دوره جایزه ایسکرین "آسیا پاسیفیک" شد.

پنج عکاس مشهور "چارلین پنگیا نیچ" از کشور مالزی، "چین تینگ چانگ" از کشور تایوان، "حه جیک پولای" و "لای یوفای" از کشور هنگ کنگ و "یوری رایسکی" از روسیه برای به دست آوردن این جایزه با تورج اصلانی رقابت می‌کنند.

ششمین دوره مراسم اهدای جایزه

ششمین دوره مراسم اهدای جایزه ایسکرین "آسیا پاسیفیک" در کشور استرالیا برگزار می‌شود. آژانس خبری "پیامنیر" اعلام کرد، قسمت‌های مختلف ششمین دوره جایزه "ایسکرین آسیا پاسیفیک" که کاندیداتورها در آن جایزه می‌گیرند، عبارتند از: برترین عکاس، برترین فیلم مستند، برترین کارگردان، برترین فیلم انیمیشن، برترین سناریو، برترین بازیگر مرد و بازیگر زن و برترین فیلم.

تورج اصلانی، عکاس فیلم "فصل کرگدن‌ها" کاندید جایزه برترین عکاس ششمین دوره جایزه ایسکرین "آسیا پاسیفیک" شد. پنج عکاس مشهور "چارلین پنگیا نیچ" از کشور مالزی، "چین تینگ چانگ" از کشور تایوان، "حه جیک پولای" و "لای یوفای" از کشور هنگ کنگ و "یوری رایسکی" از روسیه برای به دست آوردن این جایزه با تورج اصلانی رقابت می‌کنند. ششمین دوره مراسم اهدای جایزه

نقش رسانه‌ها در فرآیند سیاستگذاری

بخش نخست

فاتح صالحی

در جریان برگزاری گنگره‌ی پانزدهم حزب دمکرات کردستان ایران، بحث رسانه‌ها و اهمیت این مسئله در پیشبرد جریان مبارزاتی دیرینه‌ی ملت کرد و کاراثر نمودن این بخش از کار و فعالیت‌های حزبی با دقت مورد توجه و بررسی قرار گرفت و به‌عنوان یکی از خطوط اصلی گزارش کمیته‌ی مرکزی برای گنگره‌ی پانزدهم مطرح شد. به همین جهت برای تجزیه و تحلیل وظیفه‌ی رسانه‌ها در عصر امروز و استفاده بهینه از آنها در فرآیند مبارزه و سیاستگذاری در این مقاله تلاش خواهیم کرد ابعاد گوناگون آن را مورد بحث قرار دهیم و تا جایی که ممکن است، پیرامون اهمیت و ضرورت این امر خطیر نکاتی چند را ایراد نماییم.

پیش از تعریف "رسانه" و بحث کردن از خصوصیات آن، باید توجه کرد که این مسئله یعنی ارتباطات، نه تنها یکی از عناصر مهم و اصلی زندگی گروهی انسانهاست، بلکه زیربنای جامعه و هسته‌ی اصلی تشکیل ساختمان اجتماعی است. چرا که در واقع بدون ارتباطات، هرگز فرهنگ پدیدار نمی‌گشت و بدون فرهنگ نیز، جامعه لباس وجود را به تن نمی‌کرد. از این منظر، در نظام‌های اجتماعی کوچک و بزرگ مانند خانواده، جوامع روستایی، شهری، کشوری و بین‌المللی، ارتباطات در انتقال علوم، توانایی‌ها، نگرش‌ها، باورها و ارزشها، نقشی برجسته داشته و می‌تواند باعث شکل‌گیری و تغییر ادراک، آرا و عقاید، ارزشها و رفتارهای انسانی شود. بدین دلیل، ارتباطات به مثابه یکی از ابزارهای اصلی تغییرات اجتماعی و سیاسی مطرح است. آشکار است که ارتباطات به خودی خود شکل نمی‌گیرد، بلکه نیازمند وسیله است. رسانه‌ها را به وسیله‌ی ارتباطی تعمیم می‌دهند و در تعریف رسانه می‌گویند: "رسانه وسیله‌ای است که فرستنده به کمک آن معنا و مفهوم و پیام خود را به گیرنده منتقل می‌نماید."

رسانه یا media در لغت به معنای رساندن است و به وسایلی گفته می‌شود که وظیفه‌ی آنها انتقال فرهنگها و افکار جمعی است. رسانه‌ها از تمدنهای جدید برون آمده‌اند و مورد توجه واقع شده‌اند. اکنون آنچه مصداق این تعریف است، وسایلی هستند مثل: روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، CDها، ویدیو و ...

رسانه‌ها بستر و راه طبیعی تولید و توزیع اطلاعات در جامعه برای شهروندان هستند و سبب می‌شوند که نیروهای اجتماعی سواي تفهیم و آگاهی از حقوق خود، سهم خود را از قدرت طلب نمایند.

در عصر گذار از جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی مدرن، آنچه بیشتر از همه حائز اهمیت است، چگونگی رشد و اعتلای رسانه‌هاست. ویژگی اصلی رسانه‌ها، در

همه جا حاضر بودن آنهاست. "استوارت هال" جامعه را به شکل مداری بسته تعریف می‌کند که رسانه‌های عمومی مانند شاهرهی در فرآیند هویت‌بخشی در جامعه نقش ایفا می‌کنند. همه‌ی ما این جمله معروف را شنیده‌ایم که: "رسانه پیام است."

مارشال مک لوهان نزدیک به نیم سده پیش شناختی از عصر جدید را در این عبارت به شکلی خلاصه می‌گنجاند: "عصر نویسن با پیدایش

الکترونیک آغاز شد که انسان توانست به کمک آن اطلاعات را ذخیره و انبار نماید و این فرصت زیربنای عصر رسانه‌ها را بنیاد نهاد."

مک لوهان بر این باور بود که دوهزار سال درخشش فلسفه و استیلاي آن بر فن به پایان رسیده است. پیامدهای فیزیکی و اجتماعی‌های رسانه‌های دیداری و شنیداری جدید و همچنین آغاز عصر اتوماسیون و اطلاعات، موضوع این طبقه‌بندی جدید علمی است، یعنی نظریه‌ی رسانه‌ها.

چه چیزی در اینجا مطرح می‌شود؟ فن رسانه‌ها به گونه‌ای متغیر بر فرهنگ و جامعه و بدین شکل بر نوع و شیوه‌ی منحصر به فرد ما از درک جهان تأثیر می‌گذارد. پیش از رسانه‌های نوین امروزی صنعت چاپ سبب وقوع تغییری انقلابی، نه تنها در سطح تکنیک، بلکه در سطح بعدشناسی نیز گردید. نه تنها آنچه که ما در دنیا تجربه می‌کنیم و می‌دانیم، به رسانه‌ها وابسته است، بلکه حتی اینکه ما درباره‌ی دنیا چگونه فکر می‌کنیم، نیز به رسانه وابسته است.

وسایلی ارتباط جمعی جایگاهی ویژه در زمینه‌ی مشروعیت بخشی به خط‌مشی و استراتژی و برنامه‌های موجود در عرصه‌های گوناگون نظام‌های سیاسی و ارتباط حکومتگران با مردم و نخبگان دارند. بر این اساس، رسانه به‌عنوان منبعی نیرومند مود توجه کلیه‌ی نیروهای وابسته به قدرت و حاکمیت قرار دارد، چرا که آسانتر و سریعتر از ابزارهای دیگر می‌تواند در دستیابی، حفظ و توسعه‌ی قدرت در همه زمینه‌ها فعال باشد.

این توانایی و ظرفیت رسانه‌ای برخاسته از عوامل زیر است:

۱- رسانه به مثابه منبع قدرت: آنچه که ارتباط رسانه‌ها با توسعه‌ی سیاسی را در هم می‌آمیزد و رسانه را تبدیل به منبع بی‌بدیل قدرت و توانایی می‌کند، ظرفیت و استعداد رسانه برای تأثیرگذاری در عرصه‌ی زمان

و مکان است و این تأثیرگذاری نیز برآمد عواملی

از این عواملی می‌کند که رسانه‌های عمومی مانند شاهرهی در فرآیند هویت‌بخشی در جامعه نقش ایفا می‌کنند. همه‌ی ما این جمله معروف را شنیده‌ایم که: "رسانه پیام است."

مارشال مک لوهان نزدیک به نیم سده پیش شناختی از عصر جدید را در این عبارت به شکلی خلاصه می‌گنجاند: "عصر نویسن با پیدایش

الکترونیک آغاز شد که انسان توانست به کمک آن اطلاعات را ذخیره و انبار نماید و این فرصت زیربنای عصر رسانه‌ها را بنیاد نهاد."

مک لوهان بر این باور بود که دوهزار سال درخشش فلسفه و استیلاي آن بر فن به پایان رسیده است. پیامدهای فیزیکی و اجتماعی‌های رسانه‌های دیداری و شنیداری جدید و همچنین آغاز عصر اتوماسیون و اطلاعات، موضوع این طبقه‌بندی جدید علمی است، یعنی نظریه‌ی رسانه‌ها.

چه چیزی در اینجا مطرح می‌شود؟ فن رسانه‌ها به گونه‌ای متغیر بر فرهنگ و جامعه و بدین شکل بر نوع و شیوه‌ی منحصر به فرد ما از درک جهان تأثیر می‌گذارد. پیش از رسانه‌های نوین امروزی صنعت چاپ سبب وقوع تغییری انقلابی، نه تنها در سطح تکنیک، بلکه در سطح بعدشناسی نیز گردید. نه تنها آنچه که ما در دنیا تجربه می‌کنیم و می‌دانیم، به رسانه‌ها وابسته است، بلکه حتی اینکه ما درباره‌ی دنیا چگونه فکر می‌کنیم، نیز به رسانه وابسته است.

وسایلی ارتباط جمعی جایگاهی ویژه در زمینه‌ی مشروعیت بخشی به خط‌مشی و استراتژی و برنامه‌های موجود در عرصه‌های گوناگون نظام‌های سیاسی و ارتباط حکومتگران با مردم و نخبگان دارند. بر این اساس، رسانه به‌عنوان منبعی نیرومند مود توجه کلیه‌ی نیروهای وابسته به قدرت و حاکمیت قرار دارد، چرا که آسانتر و سریعتر از ابزارهای دیگر می‌تواند در دستیابی، حفظ و توسعه‌ی قدرت در همه زمینه‌ها فعال باشد.

این توانایی و ظرفیت رسانه‌ای برخاسته از عوامل زیر است:

۱- رسانه به مثابه منبع قدرت: آنچه که ارتباط رسانه‌ها با توسعه‌ی سیاسی را در هم می‌آمیزد و رسانه را تبدیل به منبع بی‌بدیل قدرت و توانایی می‌کند، ظرفیت و استعداد رسانه برای تأثیرگذاری در عرصه‌ی زمان و مکان است و این تأثیرگذاری نیز برآمد عواملی از این عواملی می‌کند که رسانه‌های عمومی مانند شاهرهی در فرآیند هویت‌بخشی در جامعه نقش ایفا می‌کنند. همه‌ی ما این جمله معروف را شنیده‌ایم که: "رسانه پیام است."

مارشال مک لوهان نزدیک به نیم سده پیش شناختی از عصر جدید را در این عبارت به شکلی خلاصه می‌گنجاند: "عصر نویسن با پیدایش الکترونیک آغاز شد که انسان توانست به کمک آن اطلاعات را ذخیره و انبار نماید و این فرصت زیربنای عصر رسانه‌ها را بنیاد نهاد."

می‌گذارند، مطرح می‌شود. وسایلی ارتباط جمعی با آفرینش واقعیت‌ها، هنجارها، باورها، ارزش‌ها، الگوها، افق‌های جدید، تصویرسازی ارزشها و عقاید نوین، رفتارهای جدیدی را ساماندهی می‌کنند. در محیطی توسعه‌ای، آفرینش ژانرهای مختلف در عرصه‌ی هنر و مطبوعات، خبری و اطلاع رسانی به مانند بخشی از بازیهای زبانی وسایلی ارتباط جمعی به

شمار می‌آیند که در خدمت آفرینش باورها و ارزشها هستند و تولیدات فرهنگی در بسترهای گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، محصول تعامل سه بستر مردم، حاکمیت و نخبگان در جامعه هستند که رسانه‌ها عامل این ارتباط هستند.

۳- رسانه‌ها به مثابه‌ی آفرینندگان رفتارها در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی:

رسانه‌ها یکی از اصلی‌ترین ابزارهای توسعه از راه کارکردهای پنجگانه رسانه، یعنی کارکرد آموزشی، آگاهی بخشی، هدایت، نظارت و سرگرم‌سازی هستند. بر این اساس، وسایلی ارتباط جمعی به دلیل ظرفیت‌های ویژه‌ی رضایت‌سازی از راه جریان خبری، تبلیغات سیاسی و عملیات روانی به شکلی گسترده عامل تأثیرگذاری در تحولات سیاسی در جامعه به شمار می‌آیند و با الگوسازی و هم‌شکل‌سازی، عاملی مهم در آفرینش رفتارهای مختلف هستند. چگونگی تعامل در میان "آگاهی" و "قدرت" با هدف سوگیری صاحبان قدرت در یک جامعه، ساختار اجتماعی جوامع را تشکیل می‌دهند و می‌توانند سبب آفرینش یا حذف جایگاه و نقش‌های مختلف برای کلیه‌ی بازیگران بسترهای سیاسی در جامعه گردند.

رسانه با دارا بودن چنین ظرفیتی می‌تواند کارکردهای مختلفی در جامعه داشته باشد که این کارکردها در ارتباط قدرت در میان حکومتگران، حکومت شوندگان، نخبگان و احزاب شکل می‌گیرد. شناخت این ارتباط قدرت و چگونگی تعامل در میان آنها یکی از مهمترین زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری توسعه‌ی رسانه‌ای از طریق توسعه‌ی سیاسی است. در این راه عواملی چند بر اهداف کارکردی رسانه‌ها تأثیرگذارند، عواملی مثل:

۱- خط‌مشی عمومی و کلی در نظام

سیاسی یک جامعه
۲- درخواست قدرت سیاسی از رسانه‌ها برای مشروعیت بخشی به "اقدامات حاکمیت"
۳- مخاطبان رسانه، مردم و انتظارات آنها از رسانه
۴- ساختار اجتماعی، هنجارها، آداب و رسوم و فرهنگ جامعه
۵- تنوع و تکثر گروهها و نیروی آنها در تعاملات سیاسی
۶- تعامل میان نخبگان جامعه با اقلیت گرداننده

عوامل فوق در ارتباط با مبانی اصلی کارکرد رسانه در جامعه، اهداف کلان و کارکرد وسایلی ارتباط جمعی در جامعه را تعیین می‌کنند. کارکردهای رسانه‌ای در هر جامعه‌ای تلفیقی از نظام رسانه‌ای، نقشهای پذیرفته شده - نه تعریف شده - برای رسانه‌ها و رویکرد رسانه در اجرا نمودن این نقش‌هاست. بر این اساس، نظام رسانه‌ای در برگیرنده‌ی مبانی و مقرراتی است که رسانه در محیط سیاسی، اجتماعی جوامع برای اجرای وظایف خود از آنها پیروی می‌کند. در واقع نظام رسانه‌ای تبلور نظام ارتباطی در نظام سیاسی جامعه‌ای است که تحت تأثیر نیازها و خواست‌های مختلف مردم، تجارب ویژه آن جامعه، ساختار سیاسی، اجتماعی و نظام کنترل اجتماعی آن جامعه قرار دارد. به همین دلیل، رسانه در هر جامعه‌ای دارای نقش است، نقش رسانه‌ای با توجه به توسعه‌ی تکنولوژیهای ارتباطی به نقش‌های تعریف شده و نقش‌های پذیرفته شده تقسیم می‌گردد.

نقش‌های تعریف شده رسانه‌ها در جوامع همان نقش‌هایی هستند که از سوی صاحب‌نظران علم ارتباطات برای وظایف عمومی رسانه‌ها مشخص گردیده و مهمترین آنها عبارتند از:

- نقش نظارتی
- نقش آموزش و آگاهی‌بخشی
- نقش هدایت و رهبری
- نقش انتقال تمدن و فرهنگ

جوامع

• نقش سرگرم‌سازی
به شکل رایج، رسانه‌ها برای حضور در عرصه‌های مختلف بیشتر از نقش نظارتی که برگرفته از وظیفه‌ای است که از سوی افکار عمومی به آنها واگذار شده، بهره می‌برند اما نقش‌هایی که در عمل برای رسانه‌ها پذیرفته شده‌اند، عبارتند از:

- آ: نقش کنترل کننده
- ب: نقش محدود کننده
- ج: نقش مداخله گر
- د: نقش ابزاری

این نقش‌ها، هر کدام در دایره مفاهیم نظری و کارکرد از یکدیگر جدا هستند. در شماری آینده هر کدام از این نقش‌ها مورد بحث قرار خواهند گرفت و در نهایت از ارتباطات سیاسی و نقش رسانه‌ها و تأثیر آنها بر سیاستگذاری بحث به میان خواهد آمد.

خلیفه‌های تازه
در شهر است

ترجمه: رضا فتح‌الله‌نژاد

سایت "سیاست خارجی" مقاله‌ای درباره‌ی موضوعات روز مصر تحت عنوان "خلیفه‌ای تازه در شهر است" به قلم ایوان میل منتشر نموده است. مقاله که درباره‌ی تحولات اخیر مصر و فرمان محمد مرسی، رئیس‌جمهور در راستای توسعه‌ی اختیاراتش و اعتراضات اپوزیسیون این کشور در این رابطه می‌باشد، بدین‌گونه آغاز می‌شود: "برای اولین بار در صحنه‌ی سیاسی پس از انقلاب مصر، قدرت متنفذ اخوان‌المسلمین با مخاطرات جدی مواجه شده است. اما در حالی که دستهای از بازیگران سیاسی مختلف، تلاشهای جنبش اسلامگرا برای تمرکز قدرت را به چالش می‌کشند، اخوانی‌ها هیچ نشانه‌ای از عقب‌نشینی از خود نشان نمی‌دهند." "مشکل هفته‌ی گذشته آغاز شد، زمانی که رئیس‌جمهور، محمد مرسی بستانه‌ی از اختیارات را عرضه نمود که بر طبق آن، دادستان کل مصر از کار برکنار شد و شخص جدیدی به جای او گمارده شد که اختیار بازگشایی پرونده علیه حسنی مبارک، دیکتاتور از کار برکنار شده و حلقه‌ی نزدیکش را دارد، علاوه بر آن، اعلام نمود که فرمانهای شخص وی و شورای تدوین پیش‌نویس قانون اساسی کشور از احکام قضایی مصون خواهند بود. همچنان‌که ناتان براون، کارشناس می‌گوید، فرمان رسمی مرسی به مثابه اعلامیه‌ای است که می‌گوید "همه‌ی قدرت را در اختیار خواهد داشت ... تنها برای مدتی کوتاه".

نگارنده سپس به اعتراضات گسترده‌ی مردم و اپوزیسیون حزب حاکم علیه فرمانهای جدید رئیس‌جمهور مصر اشاره می‌کند. در ادامه به طور مفصل به بررسی دیدگاههای مختلف در داخل اخوان‌المسلمین و حزب آزادی و عدالت، شاخه‌ی سیاسی اخوان‌المسلمین و حمایتشان از دستور کار حال حاضر مرسی می‌پردازد و بخشهایی از سخنان مشاوران بالای این حزب را به عنوان نمونه می‌آورد.

نویسنده در پایان می‌نگارد: "در کوتاه مدت، حتی انقلابیونی که به طور شفاف از دستورات سیاسی اخوانی‌ها تمجید می‌کنند، احتمالاً موجب پیروزی فرمانروایان قانون اساسی شوند. اما در پس پرده‌ی این پیروزی، محیط سیاسی هنوز هم بیش از همیشه پلورالیزه مانده است. بنابراین، علائم خشونت و مواجهه‌ی غیرقابل انعطاف هر دو طرف باعث شده‌ص که زمزمه‌ی نگرانی درباره‌ی جنگ داخلی در بین معتزین که در تحریر بست نشسته‌اند بیشتر گردد." محمد البرادعی، رهبر لیبرال در "بیداری درباره‌ی فرمان موسی" گفت: "حتی فرعونها هم آنقدر قدرت نداشتند... این همه فاجعه است، زحمت بیهوده‌ی انقلاب که قدرت را در اختیار او نهاد و امری که سبب گردیده، آدمی از بدتری هم برترسد".

متن سخنان حسن شرفی، جانشین دبیر کل حدکا در کنفرانس پراگ



در روزهای ۲۷ و ۲۸ آبان‌ماه ۱۳۹۱، با شرکت بیش از یکصدویست تن از نمایندگان احزاب و شخصیت‌های سیاسی ایران، کنفرانس "اتحاد برای دموکراسی در ایران" در پراگ با موضوعات مختلف، که یکی از آنها "مسأله ملی" بود، برگزار گردید. نظر خوانندگان روزنامه کردستان را به متن سخنان آقای حسن شرفی، جانشین دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران در آن کنفرانس جلب می‌کنیم.

دوستان گرامی!

عصر به خیر، خوشحالم که در حضورتان هستم برای بیان مطلب مهمی که در کشور ما به عنوان یک حقیقت وجود دارد، ولی توجهی که باید به این امر مهم بشود، تا حالا نشده است. امیدوارم که در بحث امروز و بحثهایی که در نشستهای بعدی خواهد شد، بیشتر و بهتر و واقع‌بینانه‌تر به این امر پرداخته شود.

از برگزارکنندگان این نشست هم کمال تشکر را دارم، امیدوارم باز هم از این نوع نشستها داشته باشیم.

عنوان این نشست از دموکراسی شروع شده و نحوه یا مسیری که باید برای دستیابی به دموکراسی در کشورمان، ایران طی کنیم. اولین مسأله‌ای که در راه تحقق دموکراسی و دستیابی به دموکراسی مهم است، باورمندبودن به دموکراسی است. یعنی اگر فقط مدعی دموکراسی باشیم، باورمند به دموکراسی نباشیم، هر مسیری را که طی کنیم، نمی‌توانیم به هدف واقعی خود برسیم. بنابراین، باورمند بودن به دموکراسی به معنای واقعی، شرط اساسی است. ما نمی‌توانیم دموکراسی به معنای واقعی خود را تقطیع کنیم، بخش بخش و پاره پاره کنیم و آن بخشها را که زمینه‌ساز رسیدن بخشی از جامعه‌ی ایران به سلطه است، قبول داشته باشیم، ولی آن بخشی را که تحقق بخش خواستهای ملیتهای ایران و عموم مردم ایران است، نادیده بگیریم و یا در مقابل اینکه بخشی از طریق دموکراسی به سلطه برسند، کم‌اهمیت بیانگاریم.

کم مشاهده نشده در نوشته‌های برخی از اساتید و بزرگان کشورمان که وقتی مسأله‌ی ملیتهای ایرانی مطرح می‌شود، حساسیت خیلی زیادی از خود نشان می‌دهند، در حالی که چه خواهیم و چه نخواهیم، این واقعیتی انکارناپذیر در ایران است ولی آنان مسأله را به گونه‌ای مطرح کنند که گویا ایران با مسأله‌ی ملی دست به گریبان نیست. ایران یک کشور چندملیتی است، انکار موضوع باعث نفی آن نمی‌شود، این که ایران کشوری با یک خاک و یک ملت و یک زبان، یا اصلاً کشوری بی‌ملت است، به هیچ‌وجه چنین نیست. برخی افراد نظرات خود را چنین بیان می‌کنند که در ایران یکی از ملتها که من اسم نمی‌برم، ملت نیست به دلیل این که فراملت است، بقیه هم قابل عرض نیستند و در بهترین حالت قوم هستند. من نمی‌دانم که ملت کشور من کیست؟ وقتی یکی به دلیل فراملتی و بقیه به دلیل قوم بودن در بهترین

حالت، ملت نیستند و ما باز هم از دیالوگ ملی در کشوری صحبت می‌کنیم که ملتی در آن وجود ندارد یا این که اصرار بر قوم بودن ملیتهای آن می‌شود، چرا؟ اگر مسأله این نیست که از حقوق سیاسی و اقتصادی و اداری این ملت کاسته شود، چه دلیل دیگری وجود دارد؟ چطور من می‌توانم به اندک جمعیت عرب بحرین بگویم ملت، ولی به عرب داخل مرزهای ایران بگویم که ملت نیستند. به چندین میلیون ترک آذری بگویم که ملت نیست، ولی به جمعیت خیلی کمتری در جمهوری آذربایجان بگویم که ملت است. وقتی می‌برسیم، می‌گویند که اینها دولت دارند، پرچم دارند، نماینده در سازمان ملل دارند. ممکن است که بی‌مقدمه این را بفرمایند، ولی استدلال خوبی در جهت حفظ تمامیت ارضی ایران نیست. یعنی تشویق می‌کنند که دوستان و برادران ما! اگر می‌خواهید ملت باشید بروید کاری را بکنید که دیگران کرده‌اند و ما امروز با احترام آنها را ملت می‌نامیم. هر وقت مسأله‌ای در مورد ملیتهای پیش می‌آید، حساسیتها اوج می‌گیرد. ما می‌توانیم تمامیت ارضی یا وحدت احاد جمعیت ایران را به دو صورت حفظ کنیم، یک نوع، سرکوب به زور انقیاد، تسلیم و آنچه که در گذشته بوده و حالا هم هست. یک نوع دیگرش هم این است که با تأمین حقوق ملیتهای ایرانی دموکراتیک، ایران متعلق به همه‌ی ما باشد و همه در حکومت ایرانی دموکراتیک سهمیم باشیم و همه ایران را متعلق به خود بدانیم. وقتی ما قبول می‌کنیم که ایران متعلق به همه‌ی ایرانیان است، یعنی ایران ملک ایرانی‌هاست. من تعجب می‌کنم برای شخصی یا جمعی که تقدس ملکش بیشتر از خود صاحب ملک باشد. تقدس برای یک ملکی قائل می‌شویم، ولی مالک آن را نادیده می‌گیریم، هیچ تقدسی هم برایش قائل نیستیم و هیچ حقوقی هم برایش قائل نیستیم اگر مجال آن را بیابیم، وجودش را هم انکار می‌کنیم، این نمی‌تواند حتی به رفع آن نگرانی که درباره تمامیت

ارضی وجود دارد، کمک کند. آنچه که این نگرانی را تشدید می‌کند، انکار وجود و انکار حقوق ملیتهای است. تحقق خواسته‌هایشان، مطالباتشان، کمترین نگرانی در این زمینه را موجب نخواهد شد، ولی اگر به هر دلیل بخواهیم این ملیتهای نادیده بگیریم، کاری کرده‌ایم که از گذشتگان خود عقب مانده‌ایم، گذشتگان ما در ایران، مناطق ملیتهای ایرانی را با اسم همان ملیتهای نامگذاری کرده‌اند، کردستان، ترکمنستان، بلوچستان، آذربایجان و عرب اهواز. آن موقع که دموکراسی به مفهوم امروزی نبود، حقوق پیشتر به مفهوم امروزی نبود، گذشتگان ما با آن آشنا نبودند. ولی من تردید دارم که اگر آن نامگذاری‌ها که آن زمان شد، نبود و مسأله‌های ایرانی امروز مطرح می‌کردیم که مناطقمان به اسم ملیتمان باشد، شاید با همان انگ و اتهام تجزیه‌طلبی باز هم مواجه می‌شدیم. یعنی حتی از گذشتگان خودمان هم عقب افتاده‌ایم، در عصر دموکراسی، در عصر حقوق بشر. من توصیه می‌کنم که دوستان عزیز، اساتید گرامی، برنامه‌ی سیاسی احزاب مؤثر و بانفوذ کردستان را مطالعه کنند و ببینند که آیا در جایی اشکالی بر ایرانی بودن و حفظ تمامیت ارضی وارد است؟ هنگامی که حدود دو ماه پیش، توافقنامه‌ی بین حزب دموکرات کردستان ایران و رفقای کومله به امضا رسید، چه سروصدایی به راه انداخته شد. برای چه؟ برای این که اتحاد و اتفاقی صورت گرفته که سالهاست همه ما اپوزیسیون ایران به دنبال آن هستیم و نتوانستیم انجام دهیم. ولی همین ملیتهای ایرانی توانسته‌اند کنگره‌ی ملیتهای ایران فدرال را خیلی راحت و خیلی سریع تشکیل دهند. چرا؟ زیرا دردشان یکی است و خواستشان یکی است، ولی اپوزیسیون یکی است و دردشان یکی نیست، خواستشان یکی نیست، با تمام تلاش‌ها و نشستهای متعددی که با احزاب اپوزیسیون ایرانی داشتیم، هنوز نتوانسته‌ایم اتحادی، ائتلافی شکل دهیم. اینجا بحث از دیالوگ در مورد انتخابات آزاد پیش آمد.

مبارزات مدنی که ترکیه را لرزاند



و ثبات در این کشور، پایان دادن به جنگ و تلاش برای استفاده از راهکارهای مسالمت‌آمیز در جهت حل مشکلات و منازعات فیما بین است. یکی از این راههای مسالمت‌جویانه و عاری از خشونت، برگزاری تظاهرات، تعطیلی بازارها، برگزاری میتینگهای سیاسی گسترده، اعتصابات و مبارزات پارلمانی است که با استفاده وسیع و گسترده از چنین راهکارهایی می‌توان دولت را ناگزیر به تجدیدنظر در سیاستهایش نمود. در همین راستا، مبارزات مدنی مسالمت‌آمیزی که بخش گسترده‌ای از کردهای ترکیه تاکنون به شیوه‌های مختلف انجام داده‌اند، توانسته است مسأله کرد را بیش از هر زمان دیگری زنده و بویا نگاه داشته و هواداران و حامیان زیادی حتی در میسان ترکیه برای ملت کرد پیدا کند و به جای ترسیم چهره‌ای جنگ‌طلبانه، سیمایی صلح‌طلب و مترقی از فرد کرد در ذهن هر انسان آزادخواهی به تصویر بکشد. اعتصاب ۶۸ روزه، ۶۸۲ زندانی کرد در ۶۷ زندان ترکیه (بنابر اعلام وزارت دادگستری ترکیه)، به عنوان یکی از راههای مسالمت‌آمیز ابراز ناراضی علیه سیاستهای حکومت، در حقیقت توانست مرزهای ترکیه را در نوردیده و حمایت کردهای سراسر جهان را به سوی خود جلب نماید و انعکاس وسیعی نیز در رسانه‌های بین‌المللی داشته باشد و بدین ترتیب، حامیان زیادی برای مطالبات مشروع ملت کرد

به همین دلیل، از یک سو بولنت آربنج، معاون نخست‌وزیر ترکیه اعلام کرد که ما تلاش می‌کنیم که راهی برای زندانیان کرد بیابیم تا بتوانند در دادگاه به زبان مادری‌شان از خود دفاع کنند و از سوی دیگر، از ایمرالی (جزیره‌ای که اوچالان در آنجا زندانیست) کمک خواستند تا بدین ترتیب، پیش‌بینی مواجه می‌کرد.

در روز ۱۸ نوامبر، زندانیان کرد به اعتصاب خود خاتمه دهند. همان‌گونه که تاریخ مبارزات مدنی و غیرخشونت‌آمیز در کشورهای برخوردار از فضای سیاسی نسبتاً باز نشان داده است، این روش مبارزاتی قادر است به طرز گسترده‌تری اقشار و طبقات مختلف مردم را حول اهداف

و برنامه‌های مشترک و برحقشان گرد هم آورد و حمایت خارجی را نیز به خود جلب نماید. در ترکیه نیز کردها با تداوم مبارزات مدنی و مسالمت‌آمیز خود، به‌ویژه از طریق نمایندگانشان در پارلمان ترکیه قادر خواهند بود با اراده‌ی ملی نیرومند خود از مطالبات برحق خویش دفاع نموده و برای تحقق حقوقشان تلاش نمایند.

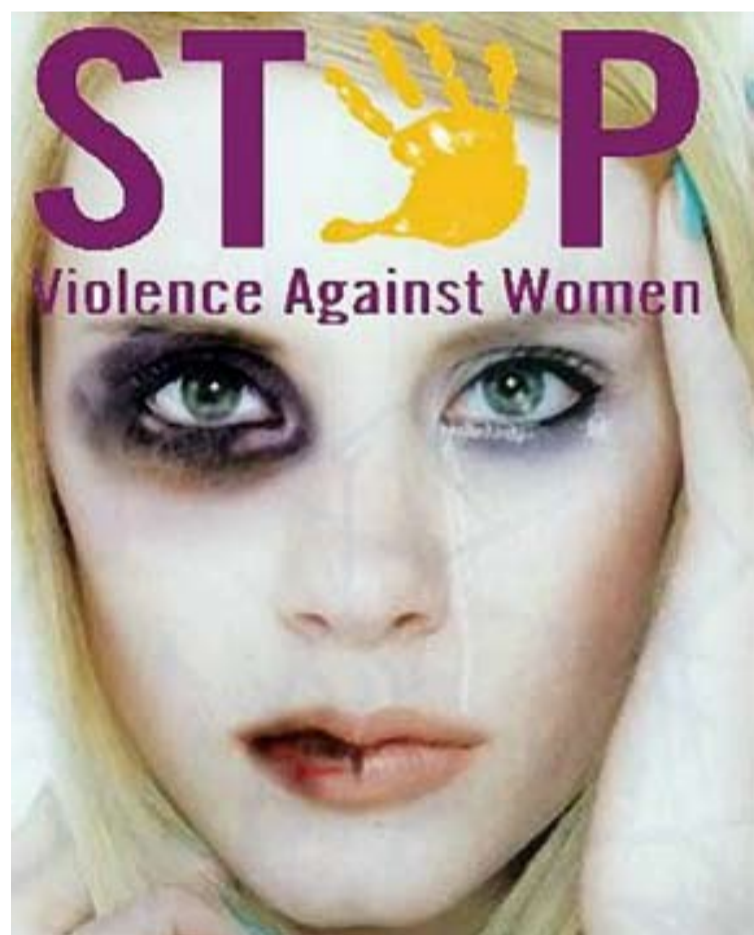
شهاب خالدی ترجمه: هوراز

اگر چه ترکیه کشوری دموکراتیک، لائیک و برخوردار از معیارها و هنجارهای مطلوب در کشورها و نظام‌های سیاسی اروپاست، اما لاینحل ماندن مسأله‌ی کرد و عدم ارائه‌ی راهکاری در این زمینه از سوی زمامداران این کشور، هم عضویت این کشور در اتحادیه اروپا را با مشکلات و موانعی مواجه نموده و هم فقدان امنیت و آرامش به‌ویژه در مناطق مرزی این کشور به دلیل نبرد مسلحانه‌ای که در این مناطق جریان دارد، ناراضی‌نمایی عمیقی را در میان مردم این کشور پدید آورده است.

دولت ترکیه مدعی است که با توسل به قوه‌ی قهریه و عملیات نظامی قادر به استقرار نظم و امنیت در مرزهای این کشور است. اما طرف مقابل نیز با نبرد مسلحانه شدید می‌خواهد به دولت ترکیه ثابت کند که تا زمانی که مسأله‌ی کرد حل نشود، ترکیه روی ثبات و امنیت را به خود نخواهد دید.

بدیهی است که هیچ یک از دو طرف صرفاً با توسل به اسلحه قادر به تأمین و تحقق اهداف خود نیستند و مناسبترین راه برای برقراری امنیت

چرا آنها از ما متنفرند؟



عفت، خنثه شده‌اند، این خوار شمردن زن است، این بی‌اعتنایی به زن است، زیرا خنثه از هر لحاظ آثار زینباری بر پیکر و روح او خواهد گذاشت. هنگامی که زنان مصری برای "آزمون بکارت" مورد بازجویی قرار می‌گیرند و بر این مبنا تحقیر می‌شوند. گاهی اوقات دختر بیچاره دچار بیماری روحی می‌شود.

وقتی که ماده‌ای از قانون کیفری مصر در مورد زنان می‌گوید: "اگر زنی توسط شوهرش با قصد و نیت خیر مورد ضرب و شتم قرار گیرد، هیچ مجازات و تنبیهی برای شوهر در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه می‌گوید: "به درک، کار خوبی می‌کنند." نتیجه این عمل در اجتماع، متلاشی شدن خانواده و ازدیاد طلاق در خانواده‌هاست. زنان در برابر این بی‌عدالتی‌ها و مشکلات نباید ساکت بمانند، بلکه باید در این موارد یکصدا و متحد از خواسته‌های طبیعی خود دفاع کنند.

برای مثال، دو کشور عربستان سعودی و یمن، ممکن است اختلافاتی چشمگیر هم از لحاظ سیستم اداری و هم از لحاظ ملی با یکدیگر داشته باشند. چهار منطقه آنها را از هم جدا می‌کند. عربستان یک نظام سلطنتی و یمن یک نظام جمهوری است، هر دو از لحاظ رعایت نکردن حقوق بشر در رده‌های پایین جدول قرار دارند. حتی در کشور مراکش که در مقایسه با سایر کشورهای عربی قانون خانواده مدرن دارد، بنا به گزارش وزیر دادگستری مراکش، تنها در سال ۲۰۱۰ تعداد ۴۱۰۹۸ دختر در سن پایین‌تر از ۱۸ سال ازدواج اجباری کرده‌اند.

در یمن ۵۵ درصد زنان بی‌سوادند، ۷۹ درصد زنان حق شرکت کردن در بازار و کارایی را ندارند. در مجلس ۳۰۱ نفره تنها یک نماینده‌ی زن وجود دارد. گزارش‌های خبری وحشتناک در مورد مرگ دختران زیر ۱۲ سال در هنگام زایمان نوشته شده است که این کار تا اندازه‌ای تعداد این مرگ و میر را کاهش داد، اما ملاها در این کشور بر این باورند که تبلیغ علیه این عمل کاری نارواست و کسانی که چنین تبلیغ می‌کنند که دختران در سنین پایین نباید ازدواج کنند، مرتد هستند.

وضوح نمودار سه گوشه‌ای از دین، روابط جنسی و مرگ را ترسیم نموده که مانند یک بولدوزر ساختمان قلب‌های سرشار از مهر و محبت و صفا و صمیمیت را ویران می‌کند و امیدها و آرزوها را برسد می‌دهد. پس از ۱۱ سپتامبر خیلی‌ها به آمریکا امید داشتند، اما متأسفانه وعده‌های آمریکا هم برای زنان تنها وعده سرخرمن بود و پس! بله من همان زن عرب هستم که می‌گوید: "آری به‌خاطر این‌که از ما متنفرند، آزاد نیستیم" بله باید گفته شود که آنها از ما بیزارند.

ممکن است برخی از من بپرسند چرا در این موقع که در منطقه حرکت‌های دموکراسیخواهی آغاز شده، من این سؤالات را مطرح می‌کنم. البته نه به‌خاطر مخالفت با اسرائیل و آمریکا بلکه انگیزه آنها و تقاضای همگان برای کسب آزادی و دموکراسی است. آیا در این خیزش‌های بهار عربی حقوق زنان برآورده می‌شود؟ آیا ممکن نیست که هر کس به اساسی‌ترین حقوق خویش برسد؟ قبل از هر چیز این زنان هستند که از حقوق خود دفاع می‌کنند؟ در اینجا منظورم کل سیستم سیاسی و اقتصادی است که با نیمی از بشریت مانند حیوان، رفتار می‌کند. باید تمام نظام‌های پنهان و آشکار که بر زنان ظلم روا می‌دارند، یکجا ویران و نابود گردند. تا زمانی که ستمگران در کاخ‌های ریاست‌جمهوری به حاکمیت خود ادامه دهند، تا زمانی آزادی دموکراسی مستقر نشود، ما مبارزه خواهیم کرد.

پس، بله، زنان در تمام جهان مشکل دارند. بله در ایالات متحده آمریکا هنوز در انتخابات ریاست جمهوری یک زن را به عنوان یک رئیس‌جمهور انتخاب نمی‌کنند. بله زنان همچنان در بسیاری از کشورهای عربی (که من در یکی از آنها زندگی می‌کنم) برای ابرکتیویزه کردن مبارزه می‌کنند.

وقتی که سعی می‌کنید درباره یک کشور عربی صحبت کنید، همه چیز تمام می‌شود. کشوری که من در آن متولد شدم، یک کشور عربی و آمیزه‌ای از فرهنگ‌ها، ادیان و نژادهای متفاوت است. برای مثال وقتی که بیشتر از ۹۰ درصد زنان متاهل مصری به نام دفاع از

ترجمه از انگلیسی: معصم نورانی

خانم منا طحاوی نویسنده‌ی زن مصری، در مجله سیاست خارجی آمریکا مقاله‌ای تحت عنوان "چرا آنها از ما متنفرند"، درباره‌ی وضع زنان در خاورمیانه می‌نویسد. این مقاله بیانگر آنست که یک جنگ واقعی با زنان در خاورمیانه جریان دارد. نویسنده مقاله را با داستان کوتاهی به قلم زنده‌یاد، فاطمه رفعت معروف به آلیفه رفعت، نویسنده زن فراموش شده‌ی مصری، در کتاب "چشم‌انداز دور یک مناره" شروع می‌کند. این داستان با معاشرت یک زن با شوهرش شروع می‌شود که چگونه شوهرش تنها در فکر خود و در فکر آسودگی خویش است. زن بیچاره شفته شوهر و در درون خود سوخته است، اما مرد به او توجهی نمی‌کند. این حرکت شوهر بر رفتار زن تأثیر دارد. زن هم ناچار است که نسبت به مرد بی‌میلی و بی‌مهری نشان دهد و این حرکتها هستند که باعث متلاشی شدن کانون گرم خانواده می‌شوند. در واقع، این زن است که مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد و مثل یک ابزار با او رفتار می‌شود. زن تنها برای رفع نیازهای جنسی و کار آسب‌خانه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در کشورهای خاورمیانه در اجتماع و خانواده به زنان توجه نمی‌شود، زن همیشه مورد بی‌مهری شوهر قرار می‌گیرد. بر اثر حاکمیت نظام‌های مردسالار و قوانین به شدت مذهبی، در ایران، افغانستان، عراق، عربستان سعودی، مصر، یمن، لیبی و کشورهای شیخ‌نشین حاشیه خلیج فارس، زندگی زنان شباهت‌های بسیاری به هم دارد. این حرکت تأثیر منفی بر روند زندگی آنان دارد و زنان را به سوی زندگی تاریک و تلخ سوق می‌دهد تا پیوسته و به‌طور مداوم در خلوت خود فرو رفته و نتوانند متکی به نفس خود باشند، بلکه همیشه مانند یک موجود ضعیف و وابسته و ناامید به زندگی به خود بنگرند.

آلیفه در پیش از سه صفحه از کتابش به

تجاوز به زنان، کشتن و زندانی کردن آنان بسیار بالاست و فضا برای زنان ناامن شده است. حال با توجه به چنین شرایطی این زنانند که باید از حقوق خود دفاع کنند و به‌ویژه در عصر اینترنت و موبایل باید مشکلات اجتماعی خود را آشکار سازند زیرا دنیای اینترنت دنیایی بی‌کران است.

در عربستان سعودی به مراتب وضع زنان بدتر است، زنان حق ندارند رانندگی کنند، حق ندارند در انتخابات شرکت کنند و از کوچکترین حقوق انسانی بی‌بهره‌اند. در عراق بی‌رحمانه قربانی می‌شوند و در افغانستان کمترین توجهی به آنان نمی‌شود. زنان در جمهوری اسلامی ایران تحقیر می‌شوند، نیروهای امنیتی و اطلاعات رژیم به بهانه اینکه زنان حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کنند یا مانتوی کوتاه می‌پوشند، آنان را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند، در ایران آمار

ایران و دخالت در امور کشورهای منطقه (با تأکید بر فلسطین و اسرائیل)



شمال ترغیبی

بامداد ۲۴ اکتبر، صدای انفجاری مهیب خارطوم، پایتخت سودان را لرزاند. ۶ جنگنده اسرائیلی با برنامه‌ای از پیش تعیین شده حرم هوایی سودان را درنوردیدند و مجتمع صنعتی "برمسوک" را که به عنوان یکی از مراکز اصلی نظامی سپاه پاسداران شناخته می‌شود، منهدم ساختند و مجموعه‌ای سازه‌آمنیتی و ۴۰ کانتینر کشتی را از بین بردند. ۲۱ روز پس از این رویداد و در روز ۱۴ نوامبر خاورمیانه بر اثر شلیک راکت و موشک‌های فجر ۵ از خاک فلسطین به سوی اسرائیل، دگرگبار شاهد نبردی ۸ روزه بود که با میانجیگری آمریکا، مصر، قطر و چند کشور و سازمان دیگر پس از کشته شدن ۱۶۷ فلسطینی و ۶ سرباز اسرائیلی به آتش‌بس میان دو طرف انجامید.

مسئله‌ای که در بطن این واقعه حائز اهمیت و قابل تأمل است، نقش و تأثیر رژیم حاکم بر ایران در برپا کردن و گسترش چنین آشوبهایی است. تاریخچه ۳ دهه حاکمیت رژیم تهران این واقعیت غیر قابل‌انکار را عیان می‌سازد که سیاست دخالت کردن در امور کشورهای منطقه متودی اصلی و لاینفصل در سیاست خارجی ایران است، آن‌هم به دست‌آویز تلاش در مسیر رسیدن به هدف و آرمان اصلی ولایت فقیه که همانا برقراری امپراطوری شیعی ولایت فقیه از طریق صدور انقلاب است.

گروه جهاد اسلامی یک سازمان سیاسی و نظامی فلسطینی است که با هدف از بین بردن اسرائیل (هدف همیشگی و تاریخی جمهوری اسلامی) از طریق فعالیت‌های نظامی، در اواخر دهه ۷۰ میلادی با تبعیت از سیاست‌های رژیم ولایت فقیه و حمایت‌های نظامی، اقتصادی و لجستیکی این رژیم، تأسیس شد و تا به حال چندین عملیات تروریستی علیه اسرائیل به انجام رسانده که می‌توان گفت جدیدترین نمونه آن همانا نقش این سازمان در برافروختن جنگ میان گروه حماس و حکومت اسرائیل با تحریک رژیم تهران است. اهداف رژیم تهران (به غیر از تلاش برای تأسیس امپراطوری ولایت فقیه) از انجام دادن چنین اعمالی چیست؟ پاسخ این پرسش را می‌توان این چنین طبقه‌بندی نمود:

۱- راهکار اصلی رژیم حاکم بر ایران عبارت است از برانگیختن جنگ در خارج از سرزمین‌های تحت سلطه خود و مهندسی کردن در آن خارجه از مرزهای خویش، به عبارت دیگر، جمهوری اسلامی همیشه در تلاش است تا نبردهای خود را در خارج از مرزهای خود انجام دهد. در این زمینه می‌توان به جنگ‌های غیرمستقیم ایران در افغانستان، عراق، لبنان و فلسطین اشاره کرد.

۲- معضوف نمودن نگاه افکار عمومی از بحران سوریه به سوی بحرانی مصنوعی و فرعی.

۳- ارزیابی عملی و پراکتیکی قدرت نظامی اسرائیل به خصوص از منظر توانایی دفاع موشکی. اسرائیل دارای سپهر دفاع موشکی "گنبد آهنی" است که با همکاری آمریکا تأسیس شده که به

عنوان یکی از پیشرفته‌ترین سپرهای دفاعی در جهان شناخته شده است. بر اساس گزارشی که در سایت BBC در مارس ۲۰۱۰ چاپ گردید، دولت اوپاما اعلام کرده ۲۰۵ میلیون دلار بودجه در اختیار دولت اسرائیل گذاشته تا ۱۰ "آتشبار" جدید برای این سپر تدافعی خریداری نماید. پس از آن کمیته خدمات تجهیزات نظامی مجلس نمایندگان آمریکا اجازه استفاده از ۶۸۰ میلیون دلار را به اسرائیل داد تا برای محافظت و دفاع از خود از آن استفاده نماید.

همان‌طور که اشاره شد، علاوه بر تلاش بسیار سران رژیم چه از لحاظ تبلیغاتی و چه از لحاظ مالی و نظامی برای تداوم جنگ بین اسرائیل و حماس، با میانجیگری مصر، آمریکا، قطر و سازمان ملل متحد پس از ۸ روز، توافقنامه‌ی آتش‌بسی میان طرفین امضا گردید. بدوفاغ از ادعاهای و تبلیغات متعصبانه و کورکورانه احمدی‌نژاد، رمضان عبدالله و خالد مشعل که از شکست اسرائیل و پیروزی فلسطین سخن می‌راندند، این آتش‌بس چند پیام اصلی و مهم

برای ایران در پی داشت:

- ۱- اسرائیل قادر به دفاع از خود در برابر هر گونه تهدید و خطر خارجی است.
- ۲- هیچ کدام از طرفین جنگ، نمی‌خواستند این جنگ ادامه پیدا کند.
- ۳- آنچه در این میان از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است، این واقعیت غیر قابل انکار می‌باشد که حماس از میان بلوک "ایران - سوریه" و جبهه "مصر، عربستان و ترکیه"، جبهه‌ی دوم را انتخاب کرده است.

۱۶ آذر، روز مقاومت در برابر دیکتاتور



روز را گرامی بدارند، بلکه بسیاری از روشنفکران و ازادخواهان، صدها مقاله در این رابطه به رشته‌ی تحریر در آورده‌اند.

جنبش دانشجویی در ایران از همان آغاز شکل‌گیری خود تاکنون چندین مرحله را پشت سر گذاشته که در برخی مراحل در فضایی باز و در برخی مراحل دیگر در فضایی بسته به فعالیتها و اقدامات خود ادامه داده و در تمامی مراحل شجاعانه به میدان آمده و تاکنون نیز قربانیان زیادی داده و روزهایی چون ۱۶ آذر، ۱۲ اردیبهشت، ۱۸ تیر و خرداد ۱۳۸۲ را در حافظه‌ی تاریخ ثبت نموده است.

اینک که در ایران تحت سلطه‌ی رژیم جمهوری اسلامی شاهد فضایی بسته در تمامی حوزه‌ها به‌ویژه در دانشگاه‌ها هستیم و عرصه بر هرگونه فعالیت تنگ شده است، این سؤال مطرح می‌شود که سبب چنین اوضاع و احوالی چه می‌تواند باشد؟

جنبش دانشجویی یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین جنبش‌های انقلابی و دگرگونی‌خواه در جامعه ایران بوده و این جنبش همواره در برابر حکومت‌های استبدادی پایداری به خرج داده و توانسته است نقش به‌سزایی در تحولات ایفا نماید. از سوی دیگر، قشر دانشجو به دلیل برخی ویژگیها از جمله: نسل آتی جامعه بودن، جوانی و بافت متشکل از هر دو جنسیت، همواره نیروی محرکه‌ی سستیز با دیکتاتوری بوده‌اند. زمامداران جمهوری اسلامی با سیاستها و مواضع خود بر آن بوده‌اند که این جنبش را تحت سطره و نفوذ خود درآورده و در راستای منافع، مطامع و سیاستهای موزرانه و بویولستی خود هدایت کنند.

از سال ۱۳۸۴ به این سو، به دنبال روی کار آمدن احمدی‌نژاد، تغییر و تحولاتی در دانشگاه‌ها، حادث شد که انتصابی کردن رؤسای دانشگاه‌ها، تعطیلی اغلب مراکز و نهادهای فرهنگی، تعطیلی انجمنهای اسلامی که در آن زمان استقلال عمل از خود نشان داده و منتقد حکومت بود و همچنین شکنجه، بازداشت و اخراج برخی دانشجویان از دانشگاه‌ها از جمله‌ی این تغییرات بود.

اسماعیل زورمند

ترجمه: سلام اسماعیل پور

شصتین سالگرد ۱۶ آذر ۱۳۲۲ و روز دانشجو در حالی فرا می‌رسد که دانشجویان ایران تاکنون نتوانسته‌اند به خواست اصلی خود که همانا تحقق جامعه‌ای آزاد و دموکراتیک است، دست یابند و باید تحت نظارت و کنترل امنیتی و حضور مستقیم مسئولان رژیم به گرامیداشت چنین روزی پرداخته و ضمن تجدید پیمان با دانشجویان آن زمان، فریاد برآورند که: در هر لحظه و هر زمان، مخالف استبداد و خودکامگی حاکمان بوده و در این راه هزینه‌ی گزافی پرداخته‌ایم و همچنان حاضر به پرداخت هزینه در این راه هستیم.

سروری کوتاه‌سر اوضاع دانشگاه‌ها و دانشجویان در آن زمان بیانگر آن است که در آن دوران، نه مانند امروزه چنین آمار چشمگیری از دانشجویان در دانشگاه‌ها بودند و نه به اندازه‌ی امروز، در شهرها و مناطق مختلف دانشگاه وجود داشت و نه همان، تحولات کنونی را به خود دیده بود. اما دانشجویان با روحیه و عزمی استوار، فریاد اعتراض علیه رژیم خودکامه وقت را سر داده و این روز تاریخی را آفریدند.

اگر چه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ فضای به شدت بسته‌ای بر ایران و دانشگاه‌ها حکمفرما بود، لیکن این امر هرگز نتوانست مانعی بر سر راه فعالیتها و اعتراضات دانشجویان ایجاد کند و آنان با عزمی استوار، روز مهمی را هم در تاریخ جنبش دانشجویی و هم در تاریخ ایران ثبت نمودند.

اهمیت و اعتبار این روز تاریخی سبب شده است که پس از این رویداد، همواره چه قبل از انقلاب خفهای ایران و چه پس از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، نه تنها دانشجویان با برگزاری گردهمایی و مراسم در دانشگاه‌ها این

در حال حاضر نیز ملاحظه می‌کنیم که رژیم جمهوری اسلامی به منظور هر چه اسلامی‌تر کردن دانشگاه‌ها و بقای حکومت خویش، در چند سال گذشته دهها رشته از رشته‌های علوم انسانی را در دانشگاه‌ها حذف نموده است. پنهان رژیم برای چنین اقدامی آن است که این گونه درس‌ها، اندیشه‌های غربی را در جامعه ترویج داده و ضمن ایجاد شبهه در اعتقادات و ذهن دانشجویان، آنان را به انحراف می‌کشانند.

از سوی دیگر، هم‌اکنون در اغلب دانشگاه‌ها جداسازی جنسیتی (دختران و پسران) صورت گرفته و قرار است در آینده دانشگاه‌های تک‌جنسیتی آغاز به کار نمایند. این در حالیست که دانشگاه‌های ایران همواره با کمبودهایی در زمینه‌ی هیات علمی و فضای آموزشی و ...

رویه‌رو بوده‌اند. برکناری استادان سکولار و روشنفکر و احضار آنان به وزارت اطلاعات و دستگیری و اخراج دانشجویان و احضار آنان به کمیته انضباطی دانشگاه‌ها جلگلی از اقدامات کنونی جمهوری اسلامی علیه دانشگاه است. هدف و مقصود اصلی رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی از چنین اقدامات و تلاشهایی، خاموش نمودن جراح جنبش دانشجویی و به انحراف کشاندن این جنبش و به انقباض درآوردن دانشگاه و دانشجویان در ایران است که به یقین می‌توان گفت موفقیتی حاصل نموده و نخواهد توانست سد راه مطالبات و خواسته‌های عمده و اصلی دانشجویان در مقابله با دیکتاتوری و در راه تحقق جامعه‌ای آزاد و دموکراتیک گردد.

در راستای همکاری بیشتر نیروهای دمکرات و مترقی ایران بکوشیم

بازتاب

تبانی و تباین، بازی داخلی رژیم

فاتح صالحی

ماجرای زدو بندهای اخیر میان زمامداران رژیم جمهوری اسلامی، یعنی تبانی و تباین درون حلقه‌ی قدرت رژیم در نوع خود و براساس پیشینه‌ی زمامداری آنان مسأله‌ی ناشناخته‌ای نیست، ولی مسأله‌ی قابل توجه در این تبانی و تباین، وجود قدرتی خودکامه و مطلق به نام "رهبر" در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی است که هر از چندگاهی و به طور روزانه در کانون توجهات رسانه‌ها و محافل سیاسی قرار می‌گیرد.

هنوز زمان زیادی از تحولات پس از روی کار آمدن مجدد احمدی‌نژاد نگذشته و افکار عمومی از یاد نبرده‌اند که رهبر رژیم جمهوری اسلامی چگونه از احمدی‌نژاد حمایت کرد و به بهانه‌ی حمایت از یکی از مهره‌های سرسپرده‌ی خود، به بخش دیگری از مهره‌های گوش به فرمان خود و خواست بخشی از مردم ایران بی‌اعتنایی نمود. کسانی که با پندار و توهم اصلاحات در درون رژیم جمهوری اسلامی، در جریان برگزاری نهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری به پای صندوقهای رأی رفتند و در نهایت نیز به دلیل تباین خواسته‌های آنان با منافع و خواسته‌های علی‌خامنه‌ای، تنها سرافکندگی و پشیمانی برایشان باقی ماند.

اکنون همان مردم و مهره‌های سوخته‌ی رژیم متحیر مانده‌اند که چه اتفاقی افتاده است که حمایت‌های خامنه‌ای از احمدی‌نژاد جای خود را به اختلاف و تعارض داده است و هر روز گوشه‌ای از این تعارضات در رسانه‌ها برای افکار عمومی آشکار می‌شود. شاید بخشی از این اختلافات ناشی از یک بازی سیاسی در میان زمامداران جمهوری اسلامی برای به انحراف کشاندن افکار عمومی و پاک کردن صورت مسأله باشد. مسأله‌ای که امروزه توده‌های مردم ایران تحت مدیریت ناکارآمد مقامات رژیم روزانه با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. اما جنبه‌ی دیگری از آن بازی‌گرده به طرز فکر و شکسته شدن تابوی دیکتاتور که اینک تبدیل به مضحک‌ی خاص و عام شده و در میان مریدان خود نیز اسباب تمسخر و استهزا شده است و از این نظر با سرعتی خیره‌کننده ابهت پوشالی وی در میان مهره‌هایش نیز در هم شکسته می‌شود. اگر چه فردی همچون علی‌خامنه‌ای به دلیل غرور ذاتی و اوضاع وخیم رژیمش در داخل و خارج از کشور نمی‌خواهد علناً اعلام کند که از موضع خود مبنی بر پشتیبانی از احمدی‌نژاد عقب‌نشینی کرده است، اما با حمایت مصلحتی و از طریق عوامل خود در صدد آن است که پوزوی وی را به خاک بمالد و بدین ترتیب آرامشی ظاهری در اوضاع پدید آورده و برای مدتی هر چند کوتاه، آبی بر این آتش بریزد. آتشی که دور نیست که سر تا پای این رژیم را تبدیل به تلی از خاکستر نماید و بر همین مینا نیز چندان دور از انتظار نیست که افرادی از درون خود رژیم تبدیل به آتش بیار معرکه‌ی درونی رژیم شوند.



آیا روباتها در مقابل انسانها می‌ایستند؟

وجود دارد. او همچنین گفت: احتمال دارد که ابزارهای ساخته دست بشر به سوی باهوش‌تر شدن بروند و از بشر باهوش‌تر شوند و احتمال دارد که روزی بشر به زیردست ابزار ساخته دست خود تبدیل شود.

این تهدیدات فعلاً مایه نگرانی نیست، ولی به زودی باعث نگرانی می‌شود، به این علت که احتمال دارد در آینده اندازه این مسأله بزرگتر شود." هارو پرایس، استاد فلسفه در دانشگاه کمبریج گفت: "احتمال دارد که این پیش‌بینی‌ها جای تأمل باشند، آنچه ما انجام می‌دهیم، آشکار نمودن خطراتی است که در مراکز علمی

دانشمندان می‌گویند: فراموش نمودن تهدیدات ابزارهای ساخته دست بشر بر روی انسان کاری خطرناک است. پژوهشگران می‌گویند: "فکر کردن در مورد اینکه روباتها بتوانند بر هوش بشر غالب شوند، کاری است که نیاز به اندیشیدن دارد. پژوهشگران نوشته‌اند که جدی بودن

پژوهشگران دانشگاه کمبریج بریتانیا درباره این موضوع تحقیق می‌کنند که آیا زمانی فرا خواهد رسید که تکنولوژی بر بشر غالب آید. این مرکز بر آن است که درباره خطرات روباتها و تکنولوژی زنده به همراه تکنولوژی نانو و تأثیر تغییرات آب و هوا بر روی انسان تحقیق کند.

بطری آبی که خودش را پر می‌کند



دارای ویژگی‌های پشت این حشره باشد و اگر بطری از آن ساخته شود، با گذشت زمان آب درون بطری پر خواهد شد. "میگوتل گالوسی" مؤسس این مؤسسه به وب سایت بی‌بی‌سی گفته است: "به موفقیت کارهایمان امیدوار و خوش‌بین هستیم، طبق پیش‌بینی‌ها یک بطری یک لیتری در مدت یک ساعت قادر است نیم لیتر تا سه لیتر آب جمع کند."

سازمان (NBD) آمریکایی درصدد درست کردن بطری آبی است که بخار موجود در هوا را جمع کرده و متراکم می‌کند. این فکر از یک حشره در بیابانهای آفریقا گرفته شده است، این حشره به علت چند ویژگی که در پشتش وجود دارد، بخار آب را جمع و متراکم نموده و از راه پشتش آن را می‌نوشد. دانشمندان این سازمان در نظر دارند نوعی پلاستیک تولید کنند که

طبق آخرین تحقیقات پزشکی که در وب سایت "سن و پیری" در بریتانیا انتشار یافته، مشخص شده است که کشیدن سیگار علاوه بر آنکه باعث ابتلا به سرطان، سکته و فشار خون می‌شود، سبب پیری مغز شده و توان فکر کردن، پاسخ دادن و تمرکز را کاهش می‌دهد. پزشکان دانشگاه لندن در تحقیقی ثابت کرده‌اند افرادی که سن آنها بالای ۵۰ سال قرار دارد، قدرت پاسخگویی و تمرکزشان در مقایسه با هم‌سن و سالان خود که سیگار نمی‌کشند، در سطح پایینی قرار دارد.

در آزمایشی در رابطه با تمرکز کسانی که سیگار می‌کشند، تنها ۱۰ کلمه به کار گرفته شده و اکثر سیگاریها به آسانی نتوانسته‌اند آن ده کلمه را به کار بگیرند یا حفظ کنند.

اگر چه به اعتقاد پزشکان توانایی یادگیری و حفظ کردن در سن پیری کاهش می‌یابد، ولی آنهایی که سیگاری هستند در مقایسه با افرادی که سیگار نمی‌کشند، توانایی یادگیری و حفظ کردنشان کمتر می‌شود.



کشیدن سیگار مغز را پیر می‌کند